

علی اکبر حسینی

مبارزات پیامبر اکرم وائمه اطهار(ع) با انحرافات فکری!

عصر امام صادق(ع) که عصر شکل‌گیری بیشتر فِرَق اسلامی و مکتبهای فکری، اعتقادی و سیاسی جهان اسلام بود، مبارزه با غلات ضرورت بیشتری یافت. نفرت از بنی‌امیه و جنایاتشان و غضب خلافت اسلامی توسط افراد نالایقی از یکسو، و انحراف نهضت برای بازگرداندن خلافت به صاحبان اصلی آن یعنی اهل بیت(ع) و جایگزین شدن آن در خاندان عباس، و قیام علویان علیه بنی‌عباس، تب ولایت اهل بیت و ذوی‌القربی(ع) بالا گرفت و در برخی، به مرحله انحراف رسید و غلو و غالیگری بنحو دیگر، شکل گرفت و این شکل‌گیریها با مظلومیت اهل بیت و امامان معصوم(ع) بیشتر شد و اغراض ویژه و دست تحریف نیز آن را دامن زد.

به همین جهت امام صادق(ع) که نقش بیشتری در تبیین و تثبیت مکتب شیعه دوازده امامی و جعفری دارد، در این مبارزه عمیقاً وارد شد و با صراحت با این گروه که خود را در سِلک محبّان ویژه امام می‌دانستند، مبارزه کرد.

مبارزات امام با اینها نه تنها پرده اشتباه یا تعصب اهل سنت و مورخان و نویسندگان فِرَق کلامی و اعتقادی آنان که شیعه را با غلات یکی گفتند حتی برخی از مستشرقان اخیر کوشیده‌اند شیعه واقعی را شعبه‌ای از غلاة و یا نشأت‌گرفته، از عقائد غلاة بدانند، به کلی

نزدیک است درباره شما دچار شک و تردید شوم سپس پیش مفضل می‌روم با شنیدن سخنان او آرامش و اطمینان خاطر پیدا می‌کنم.

امام صادق (ع) فرمود: مردم چنان به دروغ گرایش یافته‌اند که گوئی خدا دروغ را بر آنان واجب ساخته و جز دروغ چیزی از آنان نخواست است. برای آنان حدیثی می‌گویم همینکه خارج می‌شوند آن را به غیر معنای مطلوب و صحیح آن، تأویل می‌کنند!

شدیر صیرفی خدمت امام صادق (ع) رسید و گفت:

قربانت شوم شیعیان درباره شما دچار اختلاف نظر شده‌اند و در آن اصرار می‌ورزند گروهی می‌گویند: هرچه که مورد نیاز امام برای هدایت مردم باشد به گوشش گفته می‌شود. برخی می‌گویند براو وحی نازل می‌شود.

گروه دیگر معتقدند که به قلش الهام می‌شود.

دسته دیگر معتقدند که (حقائق را) در خواب می‌بیند.

دسته دیگر نیز می‌گویند: از روی نوشته‌های پدران خویش فتوا می‌دهد. به نظر

شما کدام یک از این نظرات صحیح است؟

امام فرمود: هیچکدام از اینها... ما حجت خدا و ائمتای خدا بر بندگانش هستیم و حلال و حرام خدا را از کتاب می‌گیریم.^۱

امام از پیدایش تفکرات غلوآمیز و شرک‌آلود، که ضمناً باعث انحراف تشیع از مسیر حق بود و به کلی این مکتب را تهدید می‌کرد و آن را نابود می‌ساخت مخصوصاً با عناد دشمنان و تعصب مخالفان که می‌توانستند مکتب اهل بیت را مکتب الحاد و شرک و پیروانشان را غالی و غلاة بخوانند چنانکه کردند، نه تنها چنین موضع‌گیری اختیار نماید حتی با شنیدن چنان افکاری گریه کند و قائلان به آن را محکوم و مهدورالدم بداند.

عیسی جرجانی می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و گفتم اجازه می‌دهید که آنچه را که از این جماعت شنیدم عرض کنم؟ فرمود: بگو.

۱ - تفسیر شهرستانی مخطوط ورقه ۲۶ به نقل از آذرشب مجله تراثنا شماره ۱۲ ص ۱۸
مقاله اهل بیت فی رای صاحب الملل.

۲ - مدرک قبل ص ۲۵.

گفتم: گروهی از آنان ترا به جای خدا عبادت می‌کنند و گروهی به شما نسبت پیامبری می‌دهند و...

امام صادق(ع) با شنیدن این سخنان چنان گریست که محاسنش تر شد و سپس فرمود: اگر خدا آنان را در دسترس من قرار دهد، و من خون آنان را نریزم، خداوند خون فرزندانم را بدست من بریزد!

در این روایت دو مطلب خطرناک غلو مطرح است یکی مقام الوهیت و خدائی و دیگر مقام نبوت برای امامان.

امام(ع) در رابطه با نسبت اول فرمود: لعن الله من قال فینا مالا نقوله فی انفسنا و لعن الله من ازالنا عن عبودية الله الذی خلقنا والیه ما بنا و معادنا و بیده نواصبنا^۱.

خداوند لعنت کند کسی را که درباره ما چیزی بگویند که ما خود درباره خویش آن را نمی‌گوئیم و خدا لعنت کند کسی را که ما را از مقام عبودیت و بندگی برای خدائی که ما را آفرید و معاد و بازگشت ما به سوی اوست و سرنوشت ما به دست اوست، خارج سازد. امام سپس برای کوبیدن این غالیان افراطی که می‌گفتند: منظور آیه که می‌فرماید: هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ او (خداوند) در آسمان خداست و در زمین نیز خداست، همان امام(ع) است و امام را خدای زمین و آسمان می‌دانستند، امام صادق(ع) فرمود: قائلان به این عقیده بدتر از مجوس، یهود و نصاری و مشرکان می‌باشند^۲.

امام ضمن رد عقیده غلات درباره نبوت آنان فرمود:

خدا لعنت کند کسانی را که ما را پیامبران خدا می‌دانند و نیز خدا لعنت کند کسانی را حتی در این باره شک دارند (که ما پیامبر هستیم یا نه!).

من قال انا انبياء فعليه لعنة الله و من شك في ذلك فعليه لعنة الله^۳.

۱ - تاریخ جرجان السهمی ص ۳۲۲ ۳۲۳ بنقل از حیات فکری و سیاسی امان شیعه جعفریان ص ۲۶۰.

۲ - میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۳، ص ۳۰۲.

۳ - اختیار معرفة الرجال، از شیخ طوسی، ص ۳۰۰.

۴ - اختیار معرفة الرجال شیخ طوسی، ص ۳۱۰.

عقائد دیگر انحرافی

امام از جمله عقائد دیگر افراطی و غلوآمیزی که می‌گویید، عقیده مهدویت دربارهٔ برخی از امامان معصوم بود در عصر امام صادق (ع) برخی معتقد بودند که امام باقر (ع) مهدی موعود بوده است امام (ع) با قاطعیت آن را رد کرد.

برخی معتقد بودند که علی (ع) در آسمان و در میان ابرهاست شاهد همین عقیده غلوآمیز و غلاة بود که می‌پنداشتند رعد و برق صدای غرش علی (ع) و برق تبسم علی است و آن حضرت روزی از میان ابرها ظهور خواهد کرد.^۱

امام صادق (ع) ضمن رد این نظر و عقیده، برای جلوگیری از سوء استفاده از حدیثی که منسوب به پیامبر (ص) دربارهٔ علی فرمود: «سحاب نام عبائی است که پیامبر (ص) آن را بر قامت علی (ع) پوشانیده بود، و هنگامی که آل عبا (لقب برای علی و فاطمه و حسن و حسین است) پیش پیامبر (ص) آمدند پیامبر (ص) با اشاره به علی (ع) فرمود: این علی است که با عبای سحاب می‌آید.

هذا علی قد اقبل فی السحاب»^۲.

متأسفانه سحاب به معنای ابرها و اقبال به صورت خروج درآمد و علی به جای مهدی موعود که در میان ابرها سکونت دارد، جای زدند چنانکه شهرستانی آن را پنداری از شعبه خالی و غلاة می‌داند.^۳

تجسم صورت الگو و شیخ و پیر و مراد در هنگام نماز درباره‌ای از فِرَقِ هنگام قرائت ایاک نعبد و ایاک نستعین یا مکتب برخی از فرق صوفیه و نیز سمبل گرائی آنان و غلات را سبب می‌شد که برای هر چیزی سمبل نابجا و غلطی می‌تراشند و تجسم می‌دهند.

ابوالخطاب یکی از رهبران مشهور غلاة و از پیشقراولان این تفکر بود امام صادق (ع) طی نامه‌ای شدیداً او را توبیخ می‌کند و از اینگونه افکار برحذر می‌دارد و

۱ - مدرک قبل، ص ۳۰۰.

۲ - شهرستانی در الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۷۴ چاپ بیروت دارالمعرفة.

۳ - ذهبی در میزان الاعتدال ج ۳، ص ۹۸ - ۹۹.

۴ - ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۷۴.

می‌فرماید:

شنیده‌ام تو فکر می‌کنی که همه گناهان و طاعت چهره و سبیل مجسم به صورت انسانی دارند. زنا مردی است، شراب مردی دیگر، نماز مردی است و روزه مردی دیگر، و کارهای پلید هم مردی است. چنان نیست که تو می‌گوئی ما اصل حقیق و فروع حق، اطاعت از خداست و دشمن ما اصل شر و فروع آن کارهای پلید و گناه است.

وی در خطاب برخی از غلاة آنان را از پیروی اینگونه افراد باز می‌دارد و می‌فرماید:

توبه کنید و به سوی خدا بازگردید و چون آنان فاسقان، کافران و مشرکانند، توبوا إلی الله فَإِنَّهُمْ قُتِلُوا وَ كَفَّارٌ وَمُشْرِكُونَ^۲.

برای توضیح بیشتر به روایات ج ۲۵ بحار باب نفی الغلو مراجعه شود.

اهداف غلاة

غلاة از این نوع عقیده هدف خاصی داشتند:

۱ - آنان همانند مرجئه که تنها ایمان به خدا و پیامبر را کافی می‌دانستند، کاری به عمل نیک و بد نداشتند، این نوع غلات که به اصطلاح، خود را شیعۀ گل مولائی جا می‌زدند و از امام نیز روایت می‌کردند، می‌خواستند خود را از قید عمل و عبادت و گناه و معصیت و حلال و حرام برهانند و معتقد بودند که شناخت امام (بعد از خدا و رسول) به جای آنان کافی است و نیاز به اعمال ندارد.

دست‌آویزشان این حدیث بود که: اِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ قَلِيلِ الْخَيْرِ او کثیره فانه یقبل منک^۳.

امام فرموده وقتی که امامت را (بعد از خدا و پیامبر) شناختی هرچه از کار خیری (کم یا زیاد) که خواستی انجام بده که خدا این خیرات را می‌پذیرد. ولی آنان به اصطلاح مثل آیه: لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى فقط اول آیه را گرفته

۱ - میزان الاعتدال ذهبی، ج ۳، ص ۲۸۹۷.

۲ - مدرک قبل، ص ۲۹۷.

۳ - طوسی، در اختیار معرفة الرجال ص ۵۳۰.

بودند و می‌گفتند پس از معرفت هرکار که دلت خواست انجام بده!! هرگناه و معصیتی که خواستی بکن همانند مرجئه و برخی از علاقمندان ظاهر و صوفیان!!
امام با توجیه روایت و مطلب بالا و اینگونه افکار را در رابطه با پیروان امامت راستین محکوم کرد و آنان را همانند مرجئه کافر و فاسق و مشرک خواند!

افشاگری امام (ع)

طی روایت مستند ابو عبدالله امام صادق (ع) فرمود (در ذیل آیه): هَلْ أَتَيْتُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلَ الشَّيَاطِينُ تَنْزُلَ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَتَيْمٌ.

فرمود آنان هفت تن هستند: مغیره، بنان، صائد، حمزة بن عماره البربری و حارث شامی و عبدالله بن حارث و ابوالخطاب^۱.

۱- مغیره بن سعید از غلاة معروف است که روایاتی در لعنش وارد شده است.
۲- بنان (در برخی نسخ بیان و برخی تبان فرق الشیعة ص ۲۵) بیان پسر سمعان نهدی از بنی تمیم است.

۳- صائد نهدی که امام صادق (ع) او را لعن کرد.

۴- حمزة بن عماره البربری نیز از کذابین و غلاة لعن شده است.

۵- حارث شامی، حارث شامی و پسرش عبدالله بن حارث نیز از غلات و مورد لعن می‌باشند.

۶- عبدالله بن حارث.

۷- ابوخطاب محمد ابن ابی زینب نیز کراراً مورد لعن واقع شده است^۲.

وی پیامبر و ائمه را خدا می‌دانست و قائل به الوهیت امام صادق (ع) بود.

۱- مجلسی در بحار ج ۲۵، ص ۲۷۰ و خصال ج ۲، ص ۳۶ و رجال کشی، ص ۱۸۷.

۲- شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۷۹.